۵۷-۷۴

تفسیر مادران از آموزش الکترونیکی در شرایط انتشار ویروس کرونا

◈ مریم بهارلوئی[۱] ◈ دکتر حسین افراسیابی[۲]

چکیده:
در خانواده ایرانی، مادران سهم مهمی در پیگیری، نظارت و همراهی امور درسی و تحصیلی فرزندان برعهده دارند. با شیوع ویروس کرونا و تعطیلی مدارس و انتقال کلاسهای درس به فضای مجازی و فضای خانه، بخش قابل‌توجهی از آموزشهای درسی به شیوه الکترونیکی انجام شد و مسئولیت مادران در امر آموزش و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان افزایش پیدا کرد. اتخاذ راهبرد آموزش مجازی در شرایط بحران کرونا سبب افزایش مشارکت و درگیری مضاعف مادران در امر آموزش شد. در این شرایط جهان زندگی روزمره مادران تحت‌تأثیر قرار گرفته است و تجربه متفاوتی را پشت سر می‌گذرانند. هدف از انجام دادن این پژوهش، فهم تجربه و تفسیر مادران دارای فرزند دانش‌آموز دبستانی از آموزشهای الکترونیکی است. رویکرد پژوهش کیفی و روش اجرای آن نظریه داده‌بنیاد برساخت‌گراست. نمونه پژوهش بر مبنای نمونه‌گیری هدفمند از نوع گلوله برفی و در دسترس انتخاب شده است. به این منظور ۲۶ نفر از مادران ۴۹-۲۹ ساله را که حداقل دارای یک فرزند دبستانی بودند، در مطالعه مشارکت دادیم و برای دسترسی به داده‌های موردنیاز با آنها مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام دادیم. برای تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری نظری در دو سطح باز و محوری بهره گرفتیم. پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها، هفت مقوله اصلی کشف شد که عبارت‌اند از: فشار روانی مضاعف، اخلال روال روزمره، نقش مادر / معلمی، وسواس تکلیف، فاصله نقش دانش‌آموز، شکست تابوی مجازی و تردید در یادگیری و سنجش. در بحث و نتیجه‌گیری به تفسیر مقولات ساخته‌شده ذیل زیرمقولات و مفاهیم پرداخته شد.

کلید واژگان: ویروس کرونا، کووید ۱۹، آموزش الکترونیکی، آموزش مجازی، مادران، والدین

◉ تاریخ دریافت: ۹۹/۳/۶ ◉ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۰/۲۶

۱. **نویسنده مسئول:** دانش‌آموخته دوره دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران.
baharluoeimaryam@yahoo.com
۲. دانشیار جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، یزد، ایران. hafrasiabi@yazd.ac.ir

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-10]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1401.19.2.4.2]

بیان مسئله

انتشـــار جهانی ویـــروس کرونا همه عرصه‌های زندگی اعم از جامعه، سیاســـت، اقتصاد و فرهنگ را تحت‌تأثیر قرار داده اســـت. آموزش و پرورش از نهادهایی است که از پیامدهای کرونا بیشترین تأثیرات را پذیرفته اســـت. در جریان تعطیلات ناشی از کرونا، مدارس از اولین بخشهایی بود که تعطیل شد. این تعطیلی از همان روزهای اول پیش‌بینی شـــد و کشـــورهای گوناگون راهکارهـــای متفاوت برای جبران کلاســـهای درس و ادامه آموزش اندیشـــیدند. در ایران نیز در همان هفته‌های اول شیوع کرونا، مدارس مقاطع مختلف تعطیل و یادگیری الکترونیک در بستر اینترنت و تلویزیون برای جبران تعطیلی کلاسها پیش گرفته شد. در ایران ابتدا از نرم‌افزارهای گوناگون استفاده می‌شد، اما نهایتاً «شبکه شاد» معرفی و در نظام آموزشی مدارس فعال شد. این شبکه و روشهای تکمیلی که معلمان و دانش‌آموزان به‌کار گرفتند، زمینه استمرار آموزش را فراهم کرد. تلویزیون نیز به کمک آمد و بخشی از آموزش را هر روز ارائه کرد. به‌تدریج دانش‌آموزان در بستر مجازی با معلمان در ارتباط قرار گرفتند و بخشی مهم از مطالب به اکثریت دانش‌آموزان آموزش داده شد.

بحران کرونا سبب ایجاد تغییرات شدید در زندگی کاری بیشتر والدین و دیگر مسئولیتهای آنان شده است(اندرو، کاتان، کاستادیاس، فارکوهارســـون، کرافتمن[1] و همکاران، ۲۰۱۹). در این شرایط تغییرات مهمی در نقش دانش‌آموز، معلم و والدین رخ داده است. یکی از مهم‌ترین تغییرات، افزایش نقش والدین، به‌ویژه مادران در آموزش فرزندان اســـت. مادران بیشـــتر از پدران در امور تحصیلی فرزندان مشـــارکت دارند. همچنین مادران در ســـالهای تحصیلی ابتدایی بیشتر از ســـایر اعضای خانواده درگیر فعالیتهای آموزشی فرزندشـــان می‌شوند (ادیب، فتحی‌آذر و قره‌آغاجی، ۱۳۹۶). مادران که همیشه نقشی مؤثر در پیگیری تکالیف درسی و آموزش فرزندان داشتند، تحت این شرایط جدید در حال تجربه کردن پدیده‌ای متفاوت شدند. این پدیده در مورد مادران دانش‌آموزان دبستانی از اهمیت بیشتری برخوردار است، زیرا دانش‌آموزان دبســـتانی گاهی توان استفاده از این شـــبکه‌ها را ندارند، گاهی شیطنت می‌کنند و شانه از کلاسهای الکترونیک خالی می‌کنند و گاهی نیز حضور آنها در اینترنت مخاطراتی دارد. مادران که همواره در حال ایفای نقشهای متعدد از جمله نقش مادری، همسری و خانه‌داری‌اند، در شرایط گسترش آموزش مجازی از ســـوی آموزش و پرورش، در کنار سایر نقشها، در نقش چهارم که نقش معلم ثانویه است نیز حضور یافته‌اند. برای کودکانی که تازه قدم به محیط آموزشی گذاشته‌اند، آموزش مجازی به‌معنای حضور تمام‌وقت مادر برای مدیریت و رسیدگی به آموزش کودک در فضای مجازی است. تداخل و تعدد نقشهای چندگانه، مادران را با محدودیت زمانی و با تحلیل مضاعف انرژی مواجه ســـاخته است. برای مادری که در جامعه و خانواده تعلیم و تربیت پســـندیده و شایســـته فرزند از او انتظار می‌رود، مراقبت از آسیبها و

1. Andrew, Cattan, Costa Dias, Farquharson, Kraftman

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-10]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1401.19.2.4.2]

پیامدهای استفاده از فضای مجازی و در اختیار گذاشتن گوشی موبایل نزد فرزند، نگرانیهای مضاعفی را ایجاد کرده است و همین نگرانیها سبب تنگ‌تر شدن زمان فراغت و استراحت مادران و اختصاص دادن زمانی طولانی برای مراقبت و پیگیری و کنترل فرزندشان در زمان آموزش مجازی شده است. در این نوع از آموزش، مسئولیت اطمینان از آموزش فرزند و پرهیز از مخاطرات فضای مجازی بر دوش مادران افتاده اســت. لذا به‌نظر می‌رسد آموزش مجازی زیست‌جهان و زندگی روزمره مادران را تغییر داده و مسئولیت آنها را در این نوع آموزش به‌طور قابل ملاحظه‌ای افزایش داده است.

آنچه در این‌روزها مدارس برای جبران آموزش در تعطیلات در حال به‌کارگیری‌اند، روشــی شناخته شــده در جهان است که یادگیری از راه دور و یادگیری الکترونیک نامیده می‌شود. یادگیری از راه دور[1] به هر نوع فرایند آموزشی گفته می‌شود که در آن همه یا بیشتر تدریس را افرادی انجام می‌دهند که از نظر زمانی و مکانی در فضایی دور از یادگیرنده هستند و اغلب ارتباط میان مدرس و یادگیرنده از طریق رسانه مکتوب یا الکترونیکی انجام می‌شود (یونسکو، ۲۰۰۲). هورتون[2](۲۰۰۶) یادگیری الکترونیک را به‌معنای استفاده از فناوریهای اطلاعاتی برای خلق تجربه یادگیری تعریف کرده است. یادگیری الکترونیکی به‌مثابه نوعی آموزش ثانویه، سه‌گروه مخاطب دارد: یادگیری در منزل، مدارسی که هنگام بروز یک بحران نیاز به جایگزین دارند تا آموزش دچار وقفه نشود و مدارس متوسطه که می‌خواهند با استفاده از اینترنت به‌عنوان مکمل، دوره‌های آموزشی را ارائه کنند (بابایی، ۱۳۸۹). امروزه با توسعه فناوری تلفن همراه و ترکیب آن با اینترنت از یادگیری ســیار[3] (برزگر، دهقان‌زاده و مقدم‌زاده، ۱۳۹۱) نیز نام می‌برند. پیشرفت روزافزون در ســخت‌افزار و نرم‌افزار همراه با استفاده گسترده از دســتگاههای تلفن همراه می‌تواند فرصتی برای افزایش ســریع یادگیری دانش‌آموزان و مشارکت از طریق تجارب عملی فراهم کند (فوتاریس، مستورز، لاینفلنر و روســانلی[4]، ۲۰۱۷؛ فوکیدیس[5]، ۲۰۱۷؛ پریرا، مارتینز، مورگادو، فونسکا و استیونز[6]، ۲۰۱۸).

پیش از این، آموزش کودکان در محیط مدرسه و به‌عهدهٔ کادر آموزشی مدرسه بود و مادر نقش اندکی در این آموزش عهده‌دار بود. حال با حاکم شدن شرایط جدید ناشی از کرونا و رواج آموزش الکترونیکی، پس از معلمان بیشترین بار آموزش فرزندان بر دوش مادران افتاده است و از آنجا که مادران نزدیک‌ترین افراد به فرزندان هستند، آموزش مجازی زندگی آنها را تحت‌تأثیر قرار داده است. هدف ما در این پژوهش فهم تجربه و تفسیر مادران از آموزش مجازی و چالشهای مواجهه با آن است. به‌عبارت دیگر ما در پی این هدفیم که مادران چه تفسیری از یادگیری الکترونیک دارند و در حال تجربه چه چالشهایی‌اند.

1. Distance learning
2. Horton
3. Mobile learning
4. Fotaris, Mastoras, Leinfellner & Rosunally
5. Fokides
6. Pereira, Martins, Morgado, Fonseca & Esteves

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-10]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1401.19.2.4.2]

پیشینه پژوهش

ترجمان و سیادت (۱۳۹۸) در مقالهٔ «امکان‌سنجی استقرار آموزش الکترونیکی در مدارس متوسطه روستایی و عشایری استان لرستان» نشان داده‌اند امکان استقرار آموزش الکترونیکی در مدارس متوسطه روستایی و عشایر استان لرستان وجود ندارد. مسعودی (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان «ارزشیابی تکوینی و پایانی در محیط یادگیری الکترونیکی» انجام داده است. نتایج نشان دادند که هدف از کاربرد ارزشیابی تکوینی در زمینهٔ پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و دانشجویان، آگاهی یافتن از میزان و نحوه یادگیری آنان برای تعیین نقاط قوت و ضعف یادگیری و نیز تشخیص مشکلات روش آموزشی معلم در رابطه با هدفهای آموزشی است. ارزشیابی ماهیتاً یک فرایند کیفی است و در این مرحله، معلم با استفاده از روشها و فنون متفاوت بازده‌های یادگیری دانش‌آموزان و دانشجویان را سنجش می‌کند و میزان توفیق آنان را در دستیابی به هدفهای آموزشی تعیین می‌کند. افضل‌خانی، شریعتمداری و ادیبی (۱۳۸۹) در مقالهٔ «امکان‌سنجی استقرار نظام آموزش مجازی در مدارس متوسطه استان سمنان» نشان داده‌اند که امکان استقرار نظام آموزش مجازی در مدارس متوسطه آموزش و پرورش استان سمنان از لحاظ زیرساخت سخت‌افزاری وجود دارد و از لحاظ زیرساخت نرم‌افزاری در حد متوسط به بالا و از لحاظ محتوای الکترونیکی و دروس مجازی و نیروی انسانی متخصص و اقدامات فرهنگ‌سازی در حد متوسط وجود دارد، اما امکان استقرار آموزش مجازی از لحاظ منابع مالی و پشتیبانی مورد نیاز وجود ندارد. طورانی و رستمی (۱۳۹۷) در مقالهٔ «قابلیتهای بستر فضای مجازی برای تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش» پیشنهاد می‌کنند گسترش اینترنت باید به‌گونه‌ای باشد که به رشد خلاقیت در نظام آموزشی کمک کند، نه اینکه موجبات خلاقیت‌زدایی و انزواطلبی را فراهم آورد. ادیب و همکاران (۱۳۹۶) در مقالهٔ «ادراک و تجربه مادران دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی داوطلب شرکت در آزمون مدارس استعدادهای درخشان» نشان داده‌اند که والدین و به‌طور اخص مادران، از همان سالهای کودکی، نگران آیندهٔ تحصیلی- شغلی فرزند خود هستند و می‌خواهند برای موفقیت وی سرمایه‌گذاری کنند. تقی‌زاده قوام، عراقیه و خورشیدی (۱۳۹۶) در مقالهٔ «شناسایی مؤلفه‌های سازنده آموزشهای مجازی در دوره متوسطه شهرستانهای استان تهران» نشان داده‌اند که مؤلفه‌های سازنده آموزشهای مجازی به این ترتیب است: عامل اول برنامه‌ریزی آموزشی، دوم یادگیری مطلوب، سوم روابط، چهارم بهره‌وری، پنجم محیط مجازی، ششم بازخورد، هفتم تکنولوژی آموزشی، هشتم تفکر منطقی، نهم برنامه‌ریزی درسی و دهم عدالت آموزشی. قربانخانی و صالحی (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان «بازنمایی چالشهای آموزش مجازی در نظام آموزش عالی ایران: مطالعه‌ای با روش پدیدارشناسی» انجام داده‌اند. یافته‌های آنان نشان داده است که آموزشهای مجازی در نظام آموزش عالی با چالشهای متنوع و متفاوتی مواجه‌اند و تا رسیدن به شرایط بهینه، فاصله دوچندانی داشته و بهبود کیفیت آنها، مستلزم نگاه جدی متولیان و دوری از طرز تلقی آموزش درجه

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-10]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1401.19.2.4.2]

دوم به این قبیل آموزشهاســت. تنهای‌رشوانلو و حجازی (۱۳۹۱) در مقالهٔ «نقش درگیری، حمایت از خودمختــاری و گرمی مادر و پدر در انگیزش خودمختار و عملکرد تحصیلی فرزندان» نشــان داده‌اند که درگیری مادر، حمایت از خودمختاری پدر و والدین و گرمی مادر، پدر و والدین به واسطه انگیزش خودمختار اثر غیرمستقیم بر پیشرفت تحصیلی دارند. بهمنی، مخدوم، باروچی، کلیم و احمد (۲۰۲۰) در مقاله‌ای «تجارب والدین در زمان یادگیری در خانه در شرایط کرونا» را نشان داده و اظهار کرده‌اند که اقدامات لازم جهت ادامهٔ آموزش از جانب والدین و دولت انجام گرفته است و والدین خیلی سریع خود را ســازگار کرده‌اند. ســینگ و تورمن[1] (۲۰۱۹) پژوهشــی تحت عنوان «با چند روش می‌توان یادگیــری آنلاین را تعریف کرد؟» انجام داده‌اند. فوکیدیــس (۲۰۱۷) در مقالهٔ «الگویی برای توضیح نتایج یادگیری دانش‌آموزان دبســتانی به‌هنگام استفاده از محیطهای مجازی چندکاربره» نشان داده از مهم‌تریــن عوامل تأثیرگذار انگیزه و تأثیر یادگیری درک‌شــده اســت و مربیان باید همکاری میان دانش‌آموزان در جهان را تقویت کنند. چن، چو و هوئانگ[2](۲۰۱۶) در مقالهٔ «نقشه مفهومی مبتنی بر واقعیت افزوده برای پشــتیبانی از یادگیری موبایل برای علم» نشان داده‌اند که عملکرد دانش‌آموزانی که بــرای یادگیری از موبایل به‌عنوان عامل کمکی اســتفاده می‌کنند افزایش یافته اســت. بوتیکی، باکســا، سئو، لوئی[3] (۲۰۱۵) پژوهشــی تحت‌عنوان «استفاده از یک بستر ســیار یادگیری اجتماعی همراه با نشانه‌های مجازی در یک مدرسه ابتدایی» انجام داده‌اند. نتایج آنها کمیت و کیفیت مشارکت دانش‌آموزان در ارزیابی امتیاز تحصیلی پایان ســال آنها را پیش‌بینی می‌کند. همچنین یافته‌های آنها نشــان می‌دهد که با توجه به ویژگیهای سیستم خاص، پاسخهای متنی دانش‌آموزان و لایکهای کلی دریافت‌شده از سوی دانش‌آموزان نیز با نمره ارزیابی پایان سال مرتبط است. چانگ، سو و وو[4] (۲۰۱۶) پژوهشی با عنوان «مطالعه مقایسه‌ای واقعیت افزوده در مقابل فناوری شبیه‌سازی تعاملی برای حمایت از یادگیری دانش‌آموزان از یک موضوع علمی- اجتماعی» انجام داده‌اند. یافته‌های آنها تأثیر آموزشــی فناوریهای در حال ظهور برای حمایت از جنبه‌های عاطفی یادگیری دانش‌آموزان را نشان داده است.

مطالعات انجام شــده، بیشتر به وضعیت فناوری، انگیزه فراگیران و شرایط آموزش از نگاه معلمان و فراگیران و توجه به زیرساخت استقرار آموزش مجازی پرداخته و کمتر به تجربه و تفسیر والدین، به‌ویژه مادران از این آموزشــها پرداخته‌اند. مطالعه ما، از معدود مطالعاتی اســت که تجربه مادران را به منزلهٔ افرادی که پس از معلم، بیشــتر مســئولیت توجه و پیگیری آموزش و یادگیری دانش‌آموزان را به‌عهده دارند، پرداخته است.

1. Singh & Thurman
2. Chen, Chou & Huang
3. Boticki, Baksa, Seow & Looi
4. Chang, Hsu & Wu

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-10]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1401.19.2.4.2]

مبانی نظری

آموزش یا یادگیری الکترونیک، یکی از انواع یادگیری از راه دور است. یادگیری از راه دور با شیوه‌های گوناگون مانند آموزش مکاتبه‌ای، آموزش با رادیو و تلویزیون، آموزش از طریق رایانه و آموزش از طریق اینترنت انجام شـــده اســـت. نخستین نوع رســـمی آموزش از راه دور، در قرن نوزدهم و به‌شکل مکتوب بوده اســـت (بابایی، ۱۳۸۹). در ســـال ۱۹۲۱ برخی از دانشگاهها شروع به استفاده از رادیو برای آموزش کردند. در سال ۱۹۳۴ دانشگاه ایالتی آیوا از تلویزیون به‌منزلهٔ مکمل دوره آموزشی رادیویی استفاده کرد (بابایی، ۱۳۸۹). در دهه ۱۹۲۰بخش آموزشـــی کشور بریتانیا شـــروع به آماده کردن مدارسی بر اساس کاربرد رادیو کرد. پدیدهٔ رایانه و اینترنت در تاریخ توسعه یادگیری الکترونیک یک نقطهٔ عطف به‌حساب می‌آید، زیرا امکان آموزش گسترده و تعامل دوسویه میان مدرس و یادگیرنده را فراهم می‌کند. در ایران دانشگاه ابوریحان برای اولین بار در سال ۱۳۵۰ آموزش راه دور با روش مکاتبه ای را به‌طور رسمی آغاز کرد(بابایی، ۱۳۸۹). این‌روند به‌تدریج گســـترش یافت. در مورد آموزش الکترونیکی نیز تحولاتی رخ داد و در آموزش عالی در دانشـــگاههای بزرگ کشـــور بخشهای خاص آموزش الکترونیکی راه‌اندازی شد. در آموزش و پرورش نیز این نوع آموزش به‌تدریج مورد توجه قرار گرفت.

پدیدهٔ اینترنت، یادگیری الکترونیک و از راه دور را دچار تغییراتی شگرف کرده و زیست‌جهانی جدید برای آموزش و یادگیری فراهم کرده اســـت. از نظر گیدنز[1](۲۰۰۱؛ ترجمه چاوشـــیان، ۱۳۸۶) تغییر در آموزش و پرورش، مانند تغییر در بســـیاری از حوزه‌های دیگر زندگی اجتماعی روزگار ما، تحت تأثیر دو عامـــل بازار و فناوری اطلاعات قرار دارد. گیدنـــز در بحث از نقش و تأثیر فناوری اطلاعات و اینترنت در تحول آموزش و پرورش به مفاهیمی اشـــاره می‌کند که صاحب‌نظران به‌کار گرفته‌اند. مفاهیمی ازجمله «انقلاب کلاس درس»، «واقعیت مجازی میز تحریر» و «کلاس درس بدون دیوار» (گیدنز، ۱۳۸۶: ۷۲۹). از نظر گیدنز، رایانه‌ها موجب گســـترش فرصتهای آموزشی می‌شوند و به کودکان فرصت می‌دهند که با اتکای به خود درس بخوانند، در اینترنت درباره هر موضوعی که می‌خواهند تحقیق کنند و از نرم‌افزارهای آموزشـــی برای یادگیری با هر ســـرعتی که می‌خواهند استفاده کنند. اما این‌رویا (کابوس) کلاس درس که کودکان فقط از طریق رایانه خود درس را فرا بگیرند، هنوز محقق نشـــده است. در واقع کلاس بدون دیوار هنوز دور از دسترس به‌نظر می‌رسد. یک دلیل ساده این است که رایانه کافی برای استفاده تک‌تک دانش‌آموزان در مدرســـه یا خانه وجود ندارد. دوم اینکه اکثر معلمان رایانه‌ها را مکمل درســـهای سنتی می‌دانند و نه جایگزین آنها. دانش‌آموزان می‌توانند با استفاده از رایانه تکالیف مربوط به برنامه‌های درسی متعـــارف را انجام دهند، اما هیچ‌یک از آنها فناوری اطلاعات را رســـانه‌ای به‌شـــمار نمی‌آورند که بتواند جایگزین یادگیری از معلمان و تعامل با آنها شود (۲۰۰۱؛ ترجمه چاوشیان، ۱۳۸۶).

1. Giddens

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-10]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1401.19.2.4.2]

گیدنز از «یادگیری مادام‌العمر» سخن می‌گوید. از نظر او، مفهوم آموزش و پرورش- که به معنای انتقال ساخت‌یافته دانش و معرفت در یک نهاد ساخت‌یافته دانش و معرفت در یک نهاد رسمی است- جای خود را به مفهوم وسیع‌تر «یادگیری» می‌دهد که در محیطهای گوناگون به وقوع می‌پیوندد. این چرخش از آموزش و پرورش به یادگیری موجب شده تا فراگیران به کنشگرانی فعال و کنجکاو تبدیل شوند که می‌توانند از چند منبع گوناگون چیزهایی بیاموزند. تأکید بر مفهوم یادگیری به‌معنای پذیرش این مطلب است که مهارتها و دانش را می‌توان از طریق انواع مراودات و معاشرتها با دوستان و همسایه‌ها و گفتوگوهای روزمره یا از اینترنت و رسانه‌ها یاد گرفت. چرخش به سمت یادگیری مادام‌العمر را در مدارس نیز می‌توان دید، زیرا فرصتهای روزافزون برای یادگیری در بیرون از کلاس درس برای دانش‌آموزان وجود دارد. مرزهای میان مدارس و دنیای بیرونی، نه فقط در فضای مجازی رایانه‌ای بلکه در دنیای مادی نیز در حال فروپاشی است(۲۰۰۱؛ ترجمه چاوشیان، ۱۳۸۶).

برونر[1](۱۹۹۰) تأکید دارد که امر آموزش در ارتباط با تجارب و موقعیتهایی است که یادگیرنده را به یادگیری علاقه‌مند و توانا سازد (آمادگی برای یادگیری)؛ از این‌رو باید طوری سازماندهی شده باشد که دانش‌آموز به آسانی آن را درک کند (سازماندهی حلزونی)، به گونه‌ای باشد که فرایند استنباط را تسهیل کند یا خلأهای مربوط به دانش را پر کند. این مبانی فکری اساس برساخت‌گرایی را تشکیل می‌دهد. برساخت‌گرایی در آموزش و یادگیری بر اساس این فرضیه استوار است که یادگیرنده اولاً باید فعالانه دانش و مهارت «بسازد» و دوم اینکه اطلاعات نه در محیط بیرون بلکه درون این مفاهیم ساخته‌شده وجود دارد. اصل اساسی برساخت‌گرایی این است که دانش‌آموزان نه از طریق مشاهده (دریافت منفعلانه دانش دیگران) بلکه از طریق عمل (ساختن فعالانه معنای شخصی) یاد می‌گیرند. یادگیرندگان دانشی مقدماتی را وارد محیط یادگیری می‌کنند که در آن باید درک خود را از این دانش مورد بررسی و ارزیابی مجدد قرار دهند (برونر، ۱۹۹۰؛ ۱۹۶۶؛ جاناسن[2]، ۱۹۹۶؛ ویگوتسکی، ۱۹۷۸). جاناسن (۱۹۹۱) استدلال می‌کند که در محیطهای یادگیری برساخت‌گرا تأکید بر شناسایی دانش خاص نیست، بلکه بر شناسایی ابزار موردنیاز یادگیرندگان برای تولید دانش است. همچنین راهبردها برای تسهیل انتقال دانش از دنیای خارج به ذهن یادگیرنده انتخاب نمی‌شوند، بلکه هدف از انتخاب راهبردها ارائه ابزار موردنیاز یادگیرنده برای مفهوم‌سازی است؛ معناسازی و ایجاد گفتمانی جدید در حوزه‌ای از دانش با استفاده از چشم‌اندازی که میان- رشتگی فراهم می‌کند (مقدم، ۱۳۹۲).

در مورد آموزشهای الکترونیکی نگاههای انتقادی نیز مطرح شده که یکی از برجسته‌ترین آنها متعلق به دریفوس است که رویکردی فلسفی به این موضوع دارد. دریفوس[3] (۲۰۰۸؛ ترجمه ملائکه،۱۳۸۳)

1. Bruner
2. Jonassen
3. Dreyfus

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-10]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1401.19.2.4.2]

بر این باور است که بدن و حرکتهای آن نقشی تعیین‌کننده در معنادار کردن جهان، از جمله آموزش و یادگیری دارند و فقدان تجسد به فقدان توانایی تشخیص مناسبتها و روابط منجر می‌شود. از نظر دریفوس انسانها بدون حضور، قادر به کسب مهارت نیستند. در آموزش الکترونیک، فقدان پیوستگی و هماهنگی منجر به فقدان درک واقعیت افراد و اشـــیا می‌شود. معنا در زندگی ما نیاز به تعهد صادقانه دارد و تعهد واقعی به خطرپذیری واقعی نیازمند اســـت. گمنامی و تعهد مجازی در شبکه، به زندگی بی‌معنا منتهی می‌شود (دریفوس، ۲۰۰۸؛ ترجمه ملائکه، ۱۳۸۳).

روش تحقیق

این مطالعه مبتنی بر رویکرد کیفی است. پژوهش کیفی مستلزم نوعی رویکرد تفسیری به دنیای انسانی است. این بدان معناست که پژوهشگران کیفی پدیده‌ها را بر اساس معنایی که افراد به آنها می‌دهند، معنا و تفسیر کنند (کرسول[1]، ۱۹۹۷؛ ترجمه دانائی‌فرد، ۱۳۹۴). در مرحله اجرا، از نظریه داده‌بنیاد برساخت‌گرا (چارمز[2]، ۲۰۰۶) به‌منزلهٔ یکی از روشهای اجرای پژوهش کیفی استفاده کرده‌ایم. مشارکت‌کنندگان از میان مادران ۲۹ تا ۴۹ ســـاله انتخاب شدند که دارای حداقل یک فرزند در پایهٔ تحصیلی دبستان بودند. مادران مشارکت‌کننده را با روش نمونه‌گیری گلوله برفی، با حداکثر تنوع و در دسترس انتخاب کردیم. تلاش کردیم مشارکت‌کنندگان با ویژگیهای متنوعی مانند داشتن تحصیلات متفاوت، شاغل و خانه‌دار، تک‌فرزند و چند فرزند و در سنین متفاوت انتخاب شوند. نمونه‌گیری را تا جایی ادامه دادیم که داده‌ای جدید حاصل نشد و داده‌های تکراری به دست آمدند. نمونه با ۲۶ مشارکت‌کننده به اشباع رسید.

گردآوری داده‌ها را با روش مصاحبه نیمه‌ســـاختاریافته انجام دادیم. به این صورت که چند ســـؤال باز داشـــتیم و در چارچوب این ســـؤالات با مادران گفتگو کردیم. مصاحبه را نویســـنده اول مقاله انجام داده‌اند. به‌دلیل شیوع ویروس کرونا و عدم امکان مصاحبه حضوری، مصاحبه به‌صورت مجازی و از طریق شـــبکه‌های اجتماعی (اینســـتاگرام، واتس‌اپ و تلگرام) انجام گرفت و باتوجه به میزان همراهی مادران، هرمصاحبه ۳۰ تا ۹۰ دقیقه به‌طول انجامید. برخی از ســـؤالاتی که ضمن مصاحبه از مشارکت‌کنندگان پرســـیده شد عبارت‌اند از: نظر شما در مورد آموزش الکترونیکی چیست؟ آموزش الکترونیکی فرزندتان چه تأثیراتی بر زندگی شـــما گذاشته است؟ چه پیامدهایی را به‌بار آورده است؟ با چه چالشهایی مواجه شده‌اید؟ چه نگرانیهایی در این‌روزها در مورد آموزش الکترونیکی فرزندتان دارید؟

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری نظری اســـتفاده شـــد. شایان ذکر است که در نظریه داده‌بنیاد، پژوهشـــگر همزمان با گردآوری داده‌ها کار تحلیل داده‌ها را نیز شـــروع می‌کند که به‌صورت فرایندی «رفت و برگشتی» است(کرسول، ۱۳۹۴). ابتدا کدگذاری باز انجام شد و داده‌ها چندین مرتبه

1. Creswell
2. Charmaz

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-10]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1401.19.2.4.2]

خوانده و جمله‌به‌جمله و سطربه‌ســـطر مفهوم‌گذاری شدند، سپس کدگذاری محوری آغاز شد و مفاهیم کشف‌شده در مرحله کدگذاری باز مطالعه شدند و مفاهیم مشابه ذیل یک مقوله قرار گرفتند و زیرمقولات ســـاخته شدند. زیرمقولات نیز چندین بار با دقت مرور شدند و پس از ترکیب و یکپارچه‌سازی، مقولات اصلی ساخته شدند و در آخر کدگذاری گزینشی انجام گرفت.

برای اطمینان از اعتبار یافته‌های پژوهش، روش کنترل از ســـوی اعضا به‌کار گرفته شد (یافته‌ها به مشـــارکت‌کنندگان برگشت داده می‌شد و از آنها خواسته می‌شد یافته‌ها را بررسی و صحت آنها را تأیید کنند) و کنترل را همتایان علمی انجام دادند. از متخصصان مجرب در حوزه موضوعی و ماهیت روشـــی درخواســـت شـــد تا پژوهش را مطالعه و نظرات خود را مطرح کنند. همچنین مصاحبه‌ها را با سه نفر از مشارکت‌کنندگان در میان گذاشتیم. آنها مفاهیم و مقوله‌های برساخته ما را ارزیابی کردند و در مواردی برخی از مقوله‌ها بازبینی شدند.

پیش از انجام دادن مصاحبه، رضایت مادران را برای مشـــارکت در مصاحبه‌ها جلب کردیم. به‌منظور رعایت حریم شخصی و حفظ گمنامی مشارکت‌کنندگان، پس از آغاز مصاحبه هدف پژوهش به‌طور کامل برای آنها توضیح داده شد. هیچگونه اطلاعات شخصی از مشارکت‌کنندگان درج نمی‌شود.

یافته‌ها

داده‌های به‌دســـت آمده از مصاحبه‌ها با استفاده از روش کدگذاری نظری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در مرحله اول ۱۴۳۷ مفهوم از مصاحبه‌ها به‌دســـت آمد. تلفیق زیرمقولات منجر به شکل‌گیری ۷ مقوله اصلی شـــد که عبارت‌اند از: فشارروانی مضاعف، اخلال روال روزمره، نقش مادر/معلمی، وسواس تکلیف، فاصله نقش دانش‌آموز، شکست تابوی مجازی و تردید در یادگیری و سنجش.

جدول ۱. مفاهیم و مقولات مستخرج از مصاحبه‌ها

مقوله	مفاهیم
فشار مضاعف روانی	فشار روحی، خستگی، اختلالات روحی، افسردگی، عامل تنش، ناراحتی، گله و شکایت، کم‌حوصله شدن، کج‌خلقی، عصبی شدن، بحث و جدل، افزایش حرص و جوش، دلهره، درگیری با همسر، درگیری با فرزند، دست‌وپا گیر بودن فرزند کوچک، سر و صدای محیط خانه، ایجاد مزاحمت، نبود آرامش، سلب آسایش
اخلال روال روزمره	از دست رفتن خلوت، نبود فرصت تنهایی، نداشتن فرصت مطالعه، اختلال نظم روزمره، عقب افتادن کارها، در رفتن سررشته زندگی، تأخیر در نیازها، تعویق خواسته‌ها، نبود زمان فراغت، حذف کردن برنامه‌های شخصی، محدودیت در توجه به خود، کاهش زمان خواب، نداشتن زمان استراحت
نقش مادر/معلمی	معلم دوم بودن، پیگیری دروس، تکرار دوباره آموزش، از نو آموزش دادن، متقاعد کردن بچه، سر و کله زدن تمام وقت با بچه، درگیری پاره‌وقت، به دوش کشیدن بار آموزش، آماده کردن فرزند برای آموزش، اطمینان از یادگیری، تلاش مضاعف در آموزش، اختصاص زمان زیاد به آموزش

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-10]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1401.19.2.4.2]

جدول ۱. (ادامه)

مفاهیم	مقوله
نگرانی به تأخیر افتادن تکالیف، دغدغه فراموشی ارسال، دلهره انجام صحیح تکالیف، استرس تأیید شدن از جانب آموزگار، زمان‌بر بودن کنترل تکالیف، اصرار بر انجام دادن تکالیف، کنترل کردن تمام تکالیف	**وسواس تکلیف**
بی‌توجهی به درس، افزایش بازیگوشی، دلسردی، تنبلی در تکالیف، زیر بار نرفتن انجام دادن تکالیف، بی‌توجهی در انجام دادن تکالیف، کاهش احساس دانش‌آموزی، عدم پذیرش مسئولیت یادگیری، سستی در یادگیری، ناراحتی فرزند، کج‌خلقی، ابراز خستگی فرزند، زودرنج شدن فرزند، گریه و زاری، غرولند و قهر کردن، امتناع ورزیدن، به تعویق انداختن، بهانه‌جویی، تعلل‌ورزی	**فاصله نقش دانش‌آموز**
عادت کردن فرزند به استفاده از گوشی، خو گرفتن به اینترنت، عادت به گشت‌وگذار در فضای مجازی، عادی شدن جست‌وجو در اینترنت، احساس مالکیت، زیر سؤال بردن ممنوعیتها، نقض قوانین قبلی، دانلود در اینترنت، مجاز شمردن اینترنت	**شکست تابوی مجازی**
ترس از ضعف یادگیری فرزند، دغدغه تضعیف پایه علمی، تردید در شیوه آزمون، تقلب دانش‌آموز، تردید در آموزش اثربخش، باور به آموزش رودررو، نگرانی از آینده تحصیلی، نیاز به مرور پایه تحصیلی، نگرانی در شروع پایه بالاتر، احساس نیاز به تقویت پایه	**تردید در یادگیری و سنجش**

◉ فشار روانی مضاعف

در شرایط همه‌گیری کرونا، همه مردم از جمله والدین تحت‌تأثیر نگرانی ابتلا و مشکلات و پیامدهای کرونا قرار دارند، به‌ویژه مادران که نگرانی مضاعفی را تجربه می‌کنند، زیرا از یک‌سو باید مراقب سلامت خود و خانواده و از سوی دیگر پیگیر آموزش فرزندان باشند. به تعبیر یکی از مشارکت‌کنندگان، «دستی در تشت مواد شوینده و دستی بر گوشی موبایل دارند» یا «با چشمی به سینک ظرفشویی و چشمی به صفحه مانیتور» زندگی می‌کنند. این شرایط منجر به تجربه فشار روانی در مادران شده است. مفاهیمی چون خستگی مضاعف، استرس و اضطراب، عامل تنش، کم حوصله شدن، نوسانات خلقی، عصبی شدن، بحث و جدل بارها از مشارکت‌کنندگان شنیده می‌شد. سارا می‌گوید:

«خیلی عصبی شدم و بحث و جدل، زیاد شده تو خونمون».

با توجه به گفته‌های مادران مشـــارکت‌کننده آموزش مجازی کج‌خلقیها و خستگی مضاعفی را برای مادران در پی داشته است.

سمیرا (۳۴ ساله، کارشناسی، خانه‌دار و دارای دو فرزند) می‌گوید:

«من یه دختر ۷ ســـاله و یه دختر یه ساله دارم. شرایطم خیلی سخت شده. خیلی خسته شدم. واقعاً دیگه اعصابم نمی‌کشه. آموزش مجازی برای من که خیلی تجربه بدی بوده و اصلاً به نظرم خوب نیست، چون هی باید حرص بخوری، بحث کنی، دعوا کنی تا بچه بشینه پاش».

فشارهای ناشـــی از کار خانه‌داری، همســـرداری و مادری در کنار مسئولیت و رسیدگی به آموزش

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-10]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1401.19.2.4.2]

مجازی فرزندان اسباب رنج و زحمت بیشتر را برای مادران فراهم کرده و گذران زندگی آنها را با دشواری بیشتری روبه‌رو کرده و سبب درهم ریختگی حالات روحی آنها شده است.

◉ اخلال روال روزمره

واگذاری نقش آموزشی فرزندان از نهاد آموزش و پرورش به نهاد خانواده به دلیل مجازی شدن آن، زندگی روزمره اغلب مادران را دستخوش دگرگونی اساسی کرده است. این امر سبب اخلال در نظم زندگی روزمره مادران و عقب افتادن کارهای آنان شده است. سپری کردن زمان برای فراغت و تنهایی را از آنها سلب کرده است. شیما می‌گوید:

«تا میام به درسای پسرم برسم و مراقب باشم بازیگوشی نکنه و انجام بده از همه کارای دیگه و تمیز کردن و همه چی عقب می‌افتم».

سوسن (۳۳ساله، کارشناسی و دارای دو فرزند) می‌گوید:

«از وقتی مدارس تعطیل شد و بعدشم آموزش مجازی شروع شد من به کل سر رشته زندگیم از دستم خارج شد. اینقدر درگیر تکالیف یگانه می‌شم که یادم میره ساعت چنده. بعدشم که بلندشم دوباره کارای خونه رو انجام بدم و بیام سر درسش، اصلاً زمانی برای خودم ندارم».

همکاری مادران برای آموزش فرزندان و درگیریهای مادران گذران زندگی روزانه آنها را پر تلاطم و سخت کرده و زندگی آنان را از حالت طبیعی خود خارج کرده است. نگار (۳۷ساله، کارشناسی ارشد و تک‌فرزند) می‌گوید:

«خونه موندن بچه‌ها باعث شده انضباط‌شون به‌هم بریزه. تا دیر وقت بیدار باشن و صبح تا دیروقت بخوابن نظم کل زندگی مختل شده و توی این آشفته‌باز آموزش مجازی و هی دنبال کردن تکالیف و درس بچه‌ها و سر و کله زدن باهاشون تموم وقت آدمو می‌گیره و واقعاً اذیت کننده‌س».

مادران یکی از مهم‌ترین دلنگرانیها و وظایف خود را رسیدگی و مراقبت از آموزش فرزندان و اطمینان خاطر از یادگیری آنها می‌دانند و این دلیلی برای غرق کردن آنها در آموزش مجازی و اخلال روال روزمره زندگی مادران شده است.

◉ نقش مادر/ معلمی

جابه‌جایی محیط آموزشی از مدرسه به خانه، بار اصلی آموزش و اطمینان از یادگیری را بر دوش مادران گذاشته است. اطمینان از یادگیری دانش‌آموزان از تدریس و آموزش از طریق پرسش و پاسخ و برگزاری امتحان به‌عهدهٔ معلم بود، حال در شرایط حاضر این مسئولیت به‌عهده مادران است و مادر در دو نقش معلم و مادرحاضر می‌شود. توجه به آموزش و سپس انجام دادن تکالیف، خود فشار روحی مادران را افزون‌تر و تداخل نقش آنان را برجسته‌تر کرده است. مادر/معلمی پیامدی است که آموزش مجازی برای

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-10]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1401.19.2.4.2]

مادران در پی داشته است. لادن (۳۳ساله، کارشناسی ارشد و دارای دختر ۱۰ ساله) می‌گوید:

«من می‌گم آموزش مجازی بد نیست ولی باید برای درسایی مثل ریاضی یه ابتکاری داشته باشن چون الان بچه من اون شکلی فقط همون موقع یاد می‌گیره و بعد دوباره یادش نیست و من خودم باید جای معلم بشینم یادش بدم و ممکنه مادرایی باشن که بلد نباشن».

بنابر گفته‌های مادران، یکی از مشـــکلات آموزش مجازی یادگیری بچه‌ها در دروسی مانند ریاضی است که به دلیل عدم یادگیری دقیق، زحمت آموزش این دروس اغلب بر دوش مادران افتاده است. میترا (۴۲ ساله، کارشناسی و دارای دختری ۹ ساله) می‌گوید:

«زحمتهای مادری خودش واقعاً زیاده و آدمو خسته می‌کنه، آشپزی، نظافت، رسیدگی به بچه‌ها. ولی حالا نقش معلمی‌ام بهش اضافه شـــده و تازه همه‌اش از صبح تا شـــب در حال سر و کله زدن با بچه‌ای تا بالاخره قبول کنه به مشقاشم برسه».

◉ وسواس تکلیف

برای مادران اطمینان‌خاطر از درست و به‌موقع انجام دادن تکالیف استرسی مضاعف ایجاد کرده است. ریحانه که مادر دختری ۸ ساله است، می‌گوید:

«از صبح که بیدار میشم باید بشینم کنار یگانه تا تکالیفش و انجام بده».

سولماز می‌گوید:

«همه‌اش استرس دارم. یهو می‌گم وای یادم رفت تکالیفو بفرستم».

آموزش مجازی برای مادران به گفته خود آنها، استرســـهای بســـیار ایجاد کرده و آنها را در شرایط دلهره‌آور و همراه با دغدغه بســـیار قرار داده است. وسواس تکلیف مقوله‌ای است که از مصاحبه‌ها کشف شده و دغدغه‌های مادران را افزون‌تر ساخته است. نیلوفر (۴۶ ساله، دیپلم و تک‌فرزند) می‌گوید:

«در طول روز تا یه ساعتی فرصت داری تکالیفو برای معلم ارسال کنی. همین خودش خیلی برای آدم اســـترس میاره. بچه‌ها که حوصله ندارن و همه‌اش در میرن. مدام باید نگران باشی الان تکالیف تموم شد. ساعت چند شده مدام در حال فکر و دلواپسی‌ای».

آموزش مجازی اسباب دلواپسی و استرس مضاعف را برای مادران فراهم ساخته و نگرانیهای آنان را دوچندان کرده است. نگین (۴۰ ساله، دیپلم و دارای دو فرزند) می‌گوید:

«من مدام نگرانم دریا مشقاشـــو درست نوشته باشه. هی باید خودم بیام دونه به دونه چک کنم که درست نوشته یا نه. اگر غلط بود دوباره درست کنه از طرفی ام هی دلهره دارم به‌موقع انجام بده تا دیر نشه و عکس بگیریم بفرستیم برای معلمش».

برای دانش‌آموزان دبستانی انجام دادن صحیح و به‌موقع تکالیف اغلب تحت پیگیریهای مادر حاصل

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-10]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1401.19.2.4.2]

می‌شـــود و وســـواس تکلیف به جای افتادن بر دوش دانش‌آموزان بر دوش مادران افتاده است و اسباب استرس و اضطراب مضاعف برای آنان را ایجاد کرده است. دغدغه سلامتی فرزند در کنار دلهره و دغدغه تکالیف درسی زندگی روزانه مادران را طاقت‌فرسا و دغدغه‌های آنان را افزون‌تر کرده است.

◉ فاصله نقش دانش‌آموز

اغلب مادران بیان می‌کردند که فرزندان آنها مانند ســـابق علاقه و توجهی به درس و آموزش نشـــان نمی‌دهند و رغبتی برای انجام دادن تکالیف خود ندارند. فرحناز می‌گوید:

«پسر من مدام در حال فراره. باید کلی جنگ و دعوا کنم تا بیاد بشینه. اونم چون توی گوشی و هی‌ام نت قطع می‌شه اصلاً توجه نمی‌کنه».

مشـــارکت‌کنندگان اظهار می‌کردند که برای انجام دادن تکالیـــف و تمام کردن آنها انرژی زیادی از مادران گرفته می‌شود و بچه‌ها تحت شـــرایط موجود دچار فاصله نقش دانش‌آموزی شده‌اند و احساس مســـئولیت دانش‌آموزی در آنان کاهش یافته اســـت. مهتاب (۳۵ ساله، کارشناســـی و دارای دو فرزند) می‌گوید:

«این شرایط برای بچه‌ام خیلی زجرآور شده و من و پدرشم به شدت تحت وضعیت ناخوشایندی هستیم. الان بچه‌ها هیچ‌جا نمی‌تونن برن. نه پارکی، نه بازی‌ای، نه دوستی. برای همین روحیه خوبی ندارن. بچهٔ من واقعاً از درس فرار می‌کنه یا تا میگی مشق بداخلاقی می‌کنه و گریه».

زندانی شـــدن در خانه و عدم وجود شرایط عادی در کنار دلهره‌های موجود شرایط آموزش را برای دانش‌آموزان و اولیای آنها طاقت‌فرسا کرده است. نینا (۳۷ ساله، کارشناسی و تک‌فرزند) می‌گوید:

«بچه‌هـــا چون مدام تو خونن و جایی نمی‌تونن برن خیلی روحیه حساســـی پیدا کردن، خیلی پیگیر درس نیستن، توجهی نشون نمیدن، خیلی ام چیزی یاد نمی‌گیرن، مدام غر میزنن، نق میزنن، گریه می‌کنن و حوصله درس و تکالیفو ندارن و تحت فشارن»

حضور در مدرسه به دلیل بودن در میان جمعی از دوستان و گذراندن زمان طولانی در کنار گروههای همسن و سال خود از عوامل ایجاد جذابیت و تمایل بچه‌ها در انجام دادن تکالیف و حس رقابت است. در فضای کلاس رقابت میان دانش‌آموزان وجود دارد و پاسخ دادن پاداش در پی دارد و آن پاداش توجه معلم و تشویق دانش‌آموزان دیگر است ولی محیط خانه به کل بچه‌ها را از آن فضا دور کرده و دانش‌آموزان در انجام دادن تکالیف دلسرد و بی‌علاقه شده‌اند.

◉ شکست تابوی مجازی

آموزش مجازی بچه‌ها را به حضور در اینترنت و شبکه‌های اجتماعی ناگزیر کرده و سبب سلب اختیار مادران از محدودیتها و قوانین وضع شده پیشین در استفاده از اینترنت شده است. بهنوش می‌گوید:

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-10]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1401.19.2.4.2]

«من به شدت حساس بودم روی اجرای ممنوعیت استفاده از اینترنت برای بچه‌هام و الان نقض شده و من ناراحتم واقعاً».

اغلب مادران بیان می‌کردند که برای تماشای ویدئوهای آموزشی، ارسال تکالیف و پرس‌وجوی درسی دانش‌آموزان باید از اینترنت استفاده کنند و این امر اختیارات بچه‌ها را در استفاده از اینترنت افزایش داده و کنترل مادران را کاهش داده است. افسانه می‌گوید:

«دختر من به بهونه درس مدام تو اینترنت سرچ می‌کنه».

با توجه به گفته‌های مادران مشارکت‌کننده راهبرد آموزش مجازی بدون توجه به سخت‌افزار مناسب آن سبب افزایش آزادی و اختیار بچه‌ها و شکسته شدن بسیاری از ممنوعیتهای خانه شده و کنترل بچه‌ها را در استفاده از گوشی و اینترنت با چالش مواجه کرده است. سپیده (۳۶ساله، کارشناسی ارشد و دارای دختر ۸ ساله) می‌گوید:

«من به کل اختیار گوشیمو از دست دادم. از صبح آندیا گوشی منو می‌گیره که بره درس گوش کنه. میام میبینم داره بازی دانلود می‌کنه یا تو اینترنت کارتن دانلود می‌کنه و نظارت من خیلی محدود شده».

از تبعات منفی آموزش مجازی، کاهش نظارت و کنترل مادران در استفاده از اینترنت بر فرزندانشان است، چرا که آموزش مجازی اختیار کودکان را افزایش داده است. تارا(۳۲ ساله، کارشناسی و دارای پسر ۷ ساله) می‌گوید:

«پسر من اصلاً عادت نداشت توی گوشی بره یا اینترنت گردی کنه. الان قشنگ وارد شده بره تو اینترنت بگرده، سرچ کنه و خیلی‌ام براش عادی شده. انگار حق خودش می‌دونه و کلاً دیگه خیلی به محدودیتهای ما توجهی نمی‌کنه»

◉ تردید در یادگیری و سنجش

حضور فیزیکی دانش‌آموزان در مدرسه و برگزاری کلاسهای آموزشی به‌صورت چهره به چهره و برپایی جلسات و کلاسهای پرسش و پاسخ برای اطمینان از یادگیری دانش‌آموزان در مدرسه، قوت‌قلبی برای کاهش نگرانیها و دلهره‌های مادران در کسب مهارت سواد نزد فرزندانشان بود. آموزش مجازی مادران را با تردید دریادگیری فرزندان و همچنین دغدغه‌های تضعیف پایه تحصیلی آنها و نگرانیهای ورود به پایه تحصیلی بالاتر مواجه ساخته است. نحوه تدریس و ارزشیابی آموزش از دلایل اساسی مادران برای نگرانی و دلواپسی یادگیری فرزندانشان به‌شمار می‌آید و سبب تردید در یادگیری و سنجش آنان شده است. ندا (۳۵ ساله، کارشناسی و دارای دختر ۸ ساله) می‌گوید:

«بچه‌ها برای سال دیگه حتماً باید یه مرور کامل از امسال داشته باشن، چون خودم احساس

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-10]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1401.19.2.4.2]

می‌کنم دختر من خودش پایه اش افت کرده و یه کم ضعیف شده، خوب یاد نگرفته. این شکلی درسا رو نیاز به مرور داره حتما و اگه این اتفاق نیفته اونوقت چی می‌شه. خیلی نگرانم»

برای برخی مادران آموزش مجازی سبب تضعیف پایه تحصیلی فرزندشان شده و آنها را با تردید در اثربخشی آموزش مجازی مواجه ساخته است و اغلب آموزش رو در رو را ترجیح می‌دهند. هنگامه (۴۰ ساله، کارشناسی ارشد و دارای پسر ۱۰ ساله) می‌گوید:

«من اصلاً موافق آموزش مجازی نیستم و معتقدم به این شکل اصلاً نمی‌شه سنجش و ارزشیابی درست و دقیقی داشته باشن و بچه‌ها بدون اینکه دقیقاً متوجه باشیم خوب یاد گرفتن یا نه میرن پایه‌های بالاتر و در آینده به مشکل بر میخورن».

بحث و نتیجه‌گیری

این مطالعه با هدف مطالعه تفسیر مادران دارای فرزند دانش‌آموز دبستانی، از آموزش‌های الکترونیکی و با استفاده از رویکرد کیفی و روش نظریه داده‌بنیاد انجام گرفته است. در فرایند تحلیل داده‌های به‌دست آمده از مصاحبه با مادران، ۷ مقوله اصلی کشف شده که عبارت‌اند از: فشار روانی مضاعف، اخلال روال روزمره، نقش مادر/ معلمی، وسواس تکلیف، فاصله نقش دانش‌آموز، شکست تابوی مجازی و تردید در یادگیری و سنجش.

آموزش مجازی از طریق درگیر کردن مادران در آموزش، اطمینان از یادگیری، ارسال به موقع تکالیف و مواردی مشابه، تجربه متفاوت و مسئولیت مضاعف را برای آنها ایجاد کرده است. چندگانگی نقش(مادری، همسرداری، خانه‌داری، معلمی) سبب شده است تا مادران فرصت کافی برای رفع نیازهای شخصی نداشته باشند. در نتیجه یکی از پیامدهای آموزش مجازی در زندگی روزانه مادران فشار مضاعف روانی است.

براساس تفسیر و دیدگاه مادران، تفاوت اساسی میان محیط مدرسه و محیط خانه، تاحدی به دلسردی و دلزدگی فرزندان از یادگیری و آموزش و در نتیجه فاصله گرفتن نقش دانش‌آموز منجر شده است. این مقوله که به معنای عدم جدی گرفتن درس و کم‌توجهی به تکالیف است، با نظریه دریفوس (۲۰۰۸؛ ترجمه ملائکه،۱۳۸۳) نیز همسوست. به نظر دریفوس دانش‌آموزان به‌تعامل حضوری با یکدیگر نیاز دارند، لذا عدم حضور در محیط مدرسه و عدم ارتباط چهره به چهره با همسالان سبب سستی و فاصله گرفتن نقش دانش‌آموز می‌شود. دانش‌آموزان در زمان حضور در فضای مدرسه و فراغت با همسالان خود معنای متفاوتی از زندگی دریافت می‌کردند. یکی از مهم‌ترین چالشهایی که آموزش مجازی برای مادران به‌بار آورده، تلاش برای ایجاد انگیزه در بچه‌هاست تا آنها را به انجام دادن تکالیف و توجه به آموزش سوق دهند.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-10]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1401.19.2.4.2]

عدم آشنایی دانش‌آموزان با آموزش به‌صورت مجازی، سبب شده است تا مادران در نقش مادر/ معلمی ظاهر شوند و خود بخشی از مسئولیت آموزش را به‌عهده بگیرند. در کنار تلاش و فشار روانی مادران برای اطمینان یافتن از یادگیری فرزندانشان در جهت افزایش مهارت، می‌توان نگرانیهایی را دید که در زمینهٔ ضعیف شدن پایه تحصیلی فرزندان در مادران رخنه کرده است و در نتیجه مادران را با تردید در یادگیری و سنجش مواجه ساخته است. عادت به ارزیابی حضوری و نامأنوس بودن ارزیابی مجازی آنها را دچار شک و تردید در سنجش فرزندانشان کرده است. اغلب مادران نگرانی ضعیف بودن پایه تحصیلی فرزندانشان و مشکلات ورود به پایه تحصیلی بالاتر را دارند.

در سطحی دیگر آموزش مجازی منجر به شکستن تابوی مجازی برای دانش‌آموزان شده و اسباب خوگرفتن آنان با اینترنت و عادت جست‌وجو در اینترنت را فراهم کرده است. بر اساس گفت‌وگوهای مادران مشارکت‌کننده، یکی از مهم‌ترین پیامدهای منفی آموزش مجازی، مجاز شمردن دسترسی فرزندان به اینترنت و شکسته شدن مرزها، ممنوعیتها و قواعد استفاده از اینترنت است. این مقوله با نتایج تحقیقات طورانی و رستمی (۱۳۹۷) تأیید می‌شود، زیرا آنها نیز در نتایج خود دریافتند که آموزش مجازی هم یک تهدید است هم فرصت؛ شکستن تابوی مجازی و مجاز شمردن دانش‌آموزان به استفاده از اینترنت یک تهدید برای خانواده‌ها به‌شمار می‌آید و چالشی گسترده برای مادران در پی داشته است.

آنچه در ذهن مادران و دانش‌آموزان به‌عنوان مدرسه و درس و آموزش تعریف شده با شیوه کنونی متفاوت است. تصور نهادینه‌شده آموزش حضوری، مادران را با تردید در سنجش و یادگیری و دانش‌آموزان را با فاصله گرفتن نقش دانش‌آموز مواجه کرده است. نزد مادران و دانش‌آموزان نشستن پشت سیستم و یا تماشای آموزش دروس گوناگون از طریق تلفن همراه و در صفحه‌ای کوچک که نظارت معلم و کادر آموزشی مدرسه بر آن وجود ندارد کمی ناشناخته است. لذا پیشنهاد می‌شود نهاد آموزش و پرورش برای ترغیب و تشویق دانش‌آموزان و توجه به یادگیری و آشنایی مادران با شرایط جدید پیشقدم شود و به صورت مجازی کارگاههایی برای مادران در زمینه چگونگی هدایت و مدیریت دانش‌آموزان در خانه برگزار کند. همچنین پاداشها و امتیازهایی به صورت مجازی برای ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان برای عملکرد بهتر مد نظر قرار گرفته تا از مسئولیت مادران کمی کاسته شود و در پایان مادران برای چگونگی سازگاری با مسئولیت جدید و راهنمایی فرزندانشان تحت مشاوره و آموزش قرار گیرند.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-10]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1401.19.2.4.2]

منابع

REFERENCES

ادیب، یوسف؛ فتحی‌آذر، اسکندر و قره‌آغاجی، سعید. (۱۳۹۶). ادراک و تجربه مادران دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی داوطلب شرکت در آزمون مدارس استعدادهای درخشان. *پژوهش‌های آموزش و یادگیری*، ۱۴(۱)، ۵۱-۶۱.

افضل‌خانی، مریم؛ شـــریعتمداری، مهدی و ادیبی، ملیحه. (۱۳۸۹). امکان‌سنجی اســـتقرار نظام آموزش مجازی در مدارس متوسطه استان سمنان. *فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی*، ۴ (۳)، ۹-۳۰.

بابایی، محمود. (۱۳۸۹). *مقدمه‌ای بر یادگیری الکترونیکی*. تهران: نشر چاپار.

برزگر، راضیه؛ دهقان‌زاده، حسین و مقدم‌زاده، اصغر. (۱۳۹۱). از یادگیری الکترونیکی تا یادگیری سیار: مبانی نظری. *نشریه دانشگاهی یادگیری الکترونیکی*، ۳ (۲)، ۳۵-۴۱.

ترجمان، لیلا و ســـیادت، سیدحسین. (۱۳۹۸). امکان‌سنجی اســـتقرار آموزش الکترونیکی در مدارس متوسطه روستایی و عشایری استان لرستان. *مدیریت و برنامه‌ریزی در نظامهای آموزشی*، ۱۲ (۱)، ۳۱۱-۳۳۸.

تقی‌زاده‌قوام، زهرا؛ عراقیه، علیرضا و خورشـــیدی، عباس. (۱۳۹۶). شناسایی مؤلفه‌های سازنده آموزش‌های مجازی در دوره متوسطه شهرستان‌های استان تهران. *فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی*، ۷ (۳)، ۱۰۵-۱۲۵.

تنهای‌رشـــوانلو، فرهـــاد و حجازی، الهه. (۱۳۹۱). نقـــش درگیری، حمایت از خودمختاری و گرمی مـــادر و پدر در انگیزش خودمختار و عملکرد تحصیلی فرزندان. *خانواده‌پژوهی*، ۸ (۱)، ۶۷-۸۲.

دریفوس، هیوبرت. (۲۰۰۸). *درباره اینترنت: نگاهی فلسفی به اینترنت، آنچه اینترنت نمی‌تواند انجام دهد*، ترجمه علی ملائکه (۱۳۸۳). تهران: نشر گام نو.

طورانی، زهرا و رســـتمی، شـــیدا. (۱۳۹۷). قابلیت‌های بستر فضای مجازی برای تعلیم و تربیت در آموزش و پرورش. *نهمین همایش انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران*، زاهدان، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

قربانخانی، مهدی و صالحـــی، کیوان. (۱۳۹۵). بازنمایی چالش‌های آموزش مجازی در نظام آموزش عالی ایران: مطالعه‌ای با روش پدیدارشناسی. *فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی*، ۷ (۲)، ۱۲۳-۱۴۸.

کرســـول، جان. (۱۹۹۷). *پویش کیفـــی و طرح پژوهش: انتخاب از میان پنج رویکرد (روایت‌پژوهی، پدیدارشناســـی، نظریه داده‌بنیاد، قوم‌نگاری، مطالعه موردی)*، ترجمه حسن دانائی‌فرد (۱۳۹۴). تهران: صفار.

گیدنز، آنتونی و بردسال، کارن. (۲۰۰۱). *جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان (۱۳۸۶). تهران: نشر نی.

مسعودی، ماریا. (۱۳۹۸). ارزشیابی تکوینی و پایانی در محیط یادگیری الکترونیکی. *فصلنامه پژوهشنامه مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی*، ۲ (۲۳)، ۵۱-۷۲.

مقدم، علیرضا. (۱۳۹۲). آموزش در فضای مجازی: پنجره‌ای میان‌رشته‌ای برای تولید دانش. *مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، ۵ (۴)، ۱۳۵-۱۵۹.

Andrew, A., Cattan, S., Costa Dias, M., Farquharson, C., Kraftman, L., Krutikova, S., Phimister, A., & Sevilla, A. (2019). *How are mothers and fathers balancing work and family under lockdown?*. The Institute for Fiscal Studies.

Bhamani, S., Makhdoom, A. Z., Bharuchi, V., Ali, N., Kaleem, S., & Ahmed, D. (2020). Home learning in times of COVID: Experiences of parents. *Journal of Education and Educational Development*, *7*(1), 9-26.

Boticki, I., Baksa, J., Seow, P., & Looi, C.-K. (2015). Usage of a mobile social learning platform with virtual badges in a primary school. *Computers & Education*, *86*, 120-136.

Bruner, J. S. (1966). *Toward a theory of instruction (Vol. 59)*. Cambridge: Harvard University Press.

_____. (1990). *Acts of meaning.* Cambridge, MA: Harvard University Press.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-10]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1401.19.2.4.2]

Chang, H.-Y., Hsu, H.-S., & Wu, H.-K. (2016). A comparison study of augmented reality versus interactive simulation technology to support student learning of a socio-scientific issue. *Interactive Learning Environments*, *24*(6), 1148-1161.

Charmaz, K. (2006). *Constructing grounded theory: A practical guide through qualitative analysis*. Sage.

Chen, C.-H., Chou, Y.-Y., & Huang, C.-Y. (2016). An augmented-reality-based concept map to support mobile learning for science. *The Asia-Pacific Education Researcher, 25*(4), 567-578.

Fokides, E. (2017). A model for explaining primary school students' learning outcomes when they use multi-user virtual environments. *Journal of Computers in Education, 4*(3), 225-250.

Fotaris, P., Mastoras, T., Leinfellner, R., & Rosunally, Y. (2016). Climbing up the leaderboard: An empirical study of applying gamification techniques to a computer programming class. *Electronic Journal of E-Learning*, *14*(2), 94-110.

Horton, W. (2006). *E-Learning by design*. USA: Pfeiffer.

Jonassen, D. H. (1991). Objectivism versus constructivism: Do we need a new philosophical paradigm? *Educational Technology Research and Development, 39*(3), 5-14.

_____ . (1996). *Computers in the classroom: Mindtools for critical thinking*. Columbus, OH: Merrill/Prentice-Hall.

Pereira, A., Martins, P., Morgado, L., Fonseca, B., & Esteves, M. (2017, September). A technological proposal using virtual worlds to support entrepreneurship education for primary school children. In M. Auer, D. Guralnick, & I. Simonics (Eds.), *Teaching and learning in a digital world. ICL 2017. Advances in intelligent systems and computing*. Cham: Springer.

Singh, V., & Thurman, A. (2019). How many ways can we define online learning? A systematic literature review of definitions of online learning (1988-2018). *American Journal of Distance Education*, *33*(4), 289-306.

UNESCO. (2002). Op*en and distance learning. Trends, policy and strategy considerations.* Paris: UNESCO.

Vygotsky, L. S. (1978). *Mind in society.* Cambridge, MA: Harvard University Press.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-10-10]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1401.19.2.4.2]